

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال یازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۸  
صفحات: ۱۴۰-۱۲۳  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

## تحلیلی بر ابعاد ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در سوریه

محمد رضا عبدالله پور\* / زهرا ساعی\*\* / حسین علیپور\*\*\*

### چکیده

ابعاد ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در قالب تصویر سازی، کد و بینش ژئوپلیتیکی، سیاست گذاری برون مرزی آمریکا را در سالیان اخیر در خاورمیانه، تشکیل داده است. هویت و اسطوره‌های ملی ایالات متحده آمریکا که بر پایه «دیگری» ترسیم شده است، تصویر سازی ژئوپلیتیکی این کشور را در مناطق مختلف جهان بوجود آورده است. به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث مترتب بر آن مانند بحران در عراق و شامات و ظهور گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، حضور حداکثری و متعارض آمریکایی‌ها در منطقه را رقم زد. ابعاد ژئوپلیتیکی یک قدرت را می‌توان در ترکیبی از تلفیق سه عنصر تصویر سازی، کد و بینش ژئوپلیتیکی، بر شمرده، که خلاء و یا کج کارکردی یک بعد، باعث شکاف در اهداف ژئوپلیتیکی در محیط هدف می‌گردد. این تحقیق در پاسخ به سوال پژوهش که آیا تصویر سازی ژئوپلیتیکی، سیاست خارجی آمریکا را در سالیان اخیر در خاورمیانه و مشخصاً بحران سوریه، تشکیل داده با واکاوی تاریخی از ساختار گفتمانی و ژئوپلیتیکی این کشور، دلایل حضور و تناقض گفتمانی این تصویر سازی در سوریه و عقیم بودن گفتمان تاریخی آن ترسیم می‌نماید. مبنای نظری، تصویر سازی و گفتمان ژئوپلیتیک و روش تحقیق نیز تحلیلی / توصیفی می‌باشد.

### کلیدواژه‌ها

ابعاد ژئوپلیتیک؛ بینش ژئوپلیتیک؛ ایالات متحده آمریکا؛ سوریه.

\* دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).  
r.a.poor312@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

\*\*\* دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران.

## مقدمه

تناقض نمای حضور سیاسی و نظامی آمریکا در بحران سوریه در دو دولت دموکرات اوباما و جمهوری خواه ترامپ که متأثر از راهبردهای امنیت ملی آمریکا می‌باشد، مولود تصویر سازی ژئوپلیتیکی این کشور که ریشه در تاریخ رسالت گونه این کشور دارد، می‌باشد. منطقه شمال سوریه نیز به عنوان یکی از مناطق مورد علاقه آمریکا و با هژمونی حزب اتحاد دموکراتیک از مناطقی است که حساسیت گروه‌های محلی، ملی و فرامنطقه ای را برای کنش در آن میدان بر انگیخته است. با توجه به پیوستگی جغرافیایی کردهای سوریه که از کانتون جزیره شروع و به کانتون عافین در نزدیکی دریای مدیترانه ختم می‌شود و مرزهای جنوبی کشور ترکیه را نیز شامل می‌شود، در بحران سوریه، علاوه بر گروه‌های تروریستی مانند داعش، ایالات متحده نیز با توجه به پیوستگی آن به منابع انرژی و دریای آزاد و محلی برای چانه زنی با رقبای در این منطقه حضوری فعال دارد. گرچه ترامپ خروج نیروهای آمریکا را در این منطقه اعلام نموده است ولی به نظر می‌رسد کارگزارانی جدید و از جمله کردها به عنوان سوژه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی، اهداف آمریکا را در شمال سوریه، عملیاتی نمایند. بنابراین می‌توان عنوان نمود که عدم چشم پوشی بینش ژئوپلیتیکی آمریکا از واقعیت‌های محلی و تعامل با گروه‌هایی مانند کردها در پیشبرد راهبردهای ژئوپلیتیکی در شمال سوریه، سیاست امنیتی آمریکا را در آینده سوریه، شکل دهد. از سوئی علاوه بر سیاست نخ نمای آمریکا برای تعمیق دموکراسی و صلح در خاورمیانه که تبلور آن در سیاست گذاری امنیتی آمریکا در سوریه، نمود دارد، این کشور در تعامل با کردها و قبایل عرب در آستانه تشکیل کارگزارانی است که آمال آمریکا را در شمال سوریه انجام دهند. فرضیه این مقاله تدقیق تصویر سازی ژئوپلیتیکی آمریکا در شمال سوریه با استفاده از گفتمان ژئوپلیتیکی و تاریخی ایالات متحده، تناقض در این گفتمان و بی‌اعتمادی سوژه‌ها و ساختارهای فعال در بحران سوریه می‌باشد.

### ۱. پیشینه تحقیق

- کتابی با عنوان «طبقه بندی تعارض در سوریه» نوشته «تری جیل» در سال ۲۰۱۵ که در این کتاب بر طبقه بندی تعارض، اپوزیسیون و حقوق بین الملل بشردوستانه و نقش رضایت در تعیین این طبقه بندی، تاکید می‌گردد.

- گزارشی با عنوان «اپوزیسیون مسلح سوریه» که توسط «بنیاد سنجش امنیت در شمال آفریقا» در ژانویه ۲۰۱۶ به رشته تحریر درآمده است. در این گزارش وضعیت گروه‌های اپوزیسیون و مخالف حکومت سوریه و طبقه بندی آن‌ها به سکولار، اسلامی و سلفی و حمایت‌های خارجی از آن‌ها از نقاط برجسته این گزارش است.

- تز دکتری در دانشگاه «گنت» در سال ۲۰۱۵ و با عنوان «تعارضات مسلحانه غیر بین‌المللی، قاعده ای برای قوانین مخدوش» در این رساله تیپ‌شناسی تعارضات در سوریه، کنوانسیون ژنو در خصوص موضوع بحث و گروه تروریستی داعش نیز به عنوان یک تعارض تعارضات مسلحانه غیر بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سوال اصلی این پژوهش این موضوع است که آیا دول خارجی می‌توانند از کنشگران مسلح در تعارضات داخلی کشورها، حمایت کنند؟

- مقاله ای با عنوان «سیاست ترامپ در خاورمیانه با تاکید بر سوریه» که در «موسسه باکر» در سال ۲۰۱۸ توسط «رابرت بارون» نوشته شده است. این مقاله با مقایسه سیاست‌های سوری دولت‌های اوباما و ترامپ، نگاهی به بازیگران منطقه ای به واسطه خلاء قدرت در سوریه دارد. تبارشناسی گروه‌های اپوزیسیون در سوریه و کیفیت کنش نظامی آمریکا، سر فصل اصلی این مقاله می‌باشد.

- مقاله ای با عنوان «ایالات متحده آمریکا در شمال سوریه» که توسط «فابریزیو بالانچی» در موسسه «هور» در سال ۲۰۱۸ به رشته تحریر درآمده است. فرضیه این مقاله، عدم چشم‌پوشی بینش ژئوپلیتیکی آمریکا از واقعیت‌های محلی و تعامل با گروه‌هایی مانند کردها در پیشبرد راهبردهای ژئوپلیتیکی در شمال سوریه می‌باشد. این مقاله در تلاش برای نشان دادن این موضوع است که کارگزاران محلی ابزاری مناسب برای آمریکا در سوریه می‌باشند و از دست دادن این سوژه‌ها، آن‌ها را به سوی ایران و سوریه سوق می‌دهد.

## ۲. مبانی نظری: ابعاد ژئوپلیتیک و مفصل بندی سیاست خارجی آمریکا در سوریه

ابعاد ژئوپلیتیکی یک قدرت را می‌توان در ترکیبی از تلفیق سه عنصر تصویر سازی، کد و بینش ژئوپلیتیکی، بر شمرد. که خلاء و یا کج کارکردی یک بعد، باعث شکاف در اهداف ژئوپلیتیکی در محیط هدف، می‌گردد. تصویر سازی ژئوپلیتیکی، بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی یک کشور است که شامل کدهای ژئوپلیتیکی و ماموریت ملی می‌باشد (Newman & Peters 1-4: 2002). بینش ژئوپلیتیکی نیز عنصر اصلی و تعیین کننده کیفیت تصویر سازی

ژئوپلیتیکی است که هدف نهائی آن حفظ پرستیژ و تهاجم مشروع می‌باشد (Dijing, 1996:146). این دو مفهوم اصلی با مفصل بندی خاص، کد ژئوپلیتیک را بوجود می‌آورند که این کد به دولت‌ها اجازه می‌دهد که تحلیلی چند بعدی از گزینه‌های سیاستی در خارج و داخل را ارائه دهند. دینامیزم این کدها، برآیندی از تعامل سیاست داخلی و بافت جهان در حال تغییر می‌باشند. قدرت بیشتر یک دولت در سلسله مراتب بین الملل با توانائی ساختن کدهای ژئوپلیتیکی آن کشور و در مقیاس‌های منطقه ای و جهانی در ارتباط و در نوسانات سیاست خارجی کشورها بسیار مهم می‌باشد. هر دولتی کدهای ژئوپلیتیکی خود را دارد و اساساً کدهای ژئوپلیتیک زمان و فضا را تغییر و این فضا و مکان منجر به توسعه کدها می‌گردند. از سوئی این عوامل سیاسی و تاریخی هستند که ارتباط دولت را با گفتمان‌ها بوجود می‌آورند، در نتیجه این عوامل تولید کننده کدهای ژئوپلیتیکی می‌باشند. کدهای ژئوپلیتیک مانند گفتمان‌ها پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکتند، اما در عوض به طور مستمر در پاسخ به رویدادهای در حال تحول کارگزاران تاثیر گزار هستند. این فرآیند نمی‌تواند از مقیاس‌هایی که در آن تحول رخ می‌دهد، حذف گردند. در مورد ایالات متحده آمریکا باید عنوان نمود که آن‌ها در مقیاس ملی و جهانی، کدهای خود را توسعه می‌دهند که این توسعه محصول فعال عوامل مقیاس‌های مذکور است (Ray, 2007:100). این عوامل غیرقابل تغییر از تغییر موقت هستند و بنابراین کدها در بافت‌های سیاسی بلند مدت دولت جای گرفته اند. هشت گفتمان که آمریکائی‌ها در ساختن کدهای ژئوپلیتیک خود به آن استفاده می‌کنند شامل هویت/تفاوت؛ نظم/بی نظمی؛ داخل/خارج؛ شرق/غرب؛ خود/دیگری؛ مثبت/منفی؛ خیر/شر و دیگری می‌باشد (Ray, 2007: 100-150).

تسلط گفتمان‌های دوگانه فوق تفاسیری را به نخبگان سیاسی آمریکا می‌دهد که ویژگی‌های دوگانه رفتاری پر قدرتی داشته باشند. هر یک از این گفتمان‌ها در تعامل با تقویت دیگری است. به طور کلی گفتمان دو گانه، ایده مرکزی درک ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در دنیا می‌باشد که بی نظمی، خارج، شرق، دیگری، شر، منفی و تهدید را کدهای ناامنی ژئوپلیتیکی خود می‌داند. سازه‌های هویتی آمریکا از «خود»، ریشه در تاریخ و ایدئولوژی استعمارگران دارد که ریشه در پیوریتانیسم دارد. مرثیه پیوریتین‌های آمریکائی، آئین یک فرهنگ در خصوص یک ماموریت است که می‌گوید یک فرهنگ، مبتنی بر ایمان به یک فرآیند است که یک غایت را به جای سلسله مراتب می‌نشانند و آرمان‌های یک جهان در حال سکون را به کنار و چشم انداز

یک دنیای جدید را خلق می نماید (Bercovitch, 1978:23). از فراز فوق می توان نتیجه گرفت که ملت آمریکا توسط خداوند انتخاب و دارای یک ماموریت در یک سرزمین مقدس می باشد. او می گوید که اهمیت سرزمین مقدس در ارتباط با سرزمین های دیگر است که مقدس نیستند، بنابراین تاریخ مقدس آمریکا به معنای فتح تدریجی سرزمین های دیگر است (Bercovitch, 1978:178).

با توجه به نکته فوق مفهوم بیانیه سرنوشت، ظهور پیدا کرد. این مانیفست در برگرفته اعتقاد به خدادادی بودن سرزمین آمریکا به عنوان مردم و کشور و نقش آن برای گسترش فضیلت که ابتدا گسترش سرزمینی خود کشور و سپس جهان است، می باشد. کدهای جدید ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی نه ایدئولوژیک بلکه هژمونیک است که عنصر اصلی آن، جنگ بر علیه تروریسم بوده و در استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ با تصویر سازی ژئوپلیتیک، جهان را به دو بخش دوستان و دشمنان تقسیم نمود (Bush, 6 November, 2001). اما کد ژئوپلیتیکی جدید آمریکا یعنی «جنگ بر علیه تروریسم» شامل یک پروژه فرا قلمروئی بود که برای جامعه جهانی فاقد توجیه و دکتترین بوش در این راستا این موضوع را تئوریزه و بر «آوانجلیسم دموکراتیک»، تاکید نمود. با این وصف، آمریکا یک قدرت هژمونیک استثنائی با پیوستگی بسیار به بسط ارزش های دموکراتیک است که این ارزش ها باعث ارتقاء ارزش های جهانی لیبرال دموکراسی آمریکایی از طریق اشاعه قدرت نظامی و سیاسی، تضمین می شود (Hurst, 2005:77). اما همان گونه که «فلینت» بیان می دارد، پروژه خاورمیانه بزرگ و جنگ بر علیه تروریسم با هدف توجیه حضور آمریکا در منطقه و در دو بعد نرم و سخت و برای جلوگیری از تقلیل نقش هژمونیک آمریکا بوده است (Flint & falah, 2004: 1379-99). ولی باید توجه نمود که همین توجیه، بخش کلیدی از یک کد ژئوپلیتیک می باشد. بنابراین ایجاد منطقه خاورمیانه بزرگ یک تصویر سازی ژئوپلیتیکی مبتنی بر یک فرضیه مدرن و در دولت بوش بود و به رویکرد رئالیسم تهاجمی بسیار نزدیک (Guney & Gokcan, 2010: 31). هدف این رویکرد نیز جلوگیری از ظهور رقیب و یا ترکیبی از رقبای جدی برای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بود (Agnew, 2003:123). استراتژی بوش با همان کیفیت در دوره اوباما نیز ادامه یافت با این تفاوت که نگاه اصلی از عراق به سوی پاکستان و افغانستان، تغییر یافت (Guney & Gokcan, 2010:34).

جدول ۱: کدهای ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا (گفتمان تاریخی) (Ray, 2007:134)

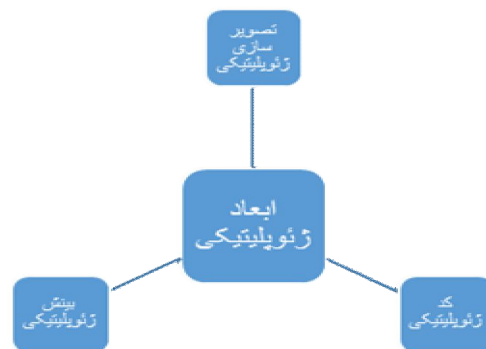
جهانی	ملی
توسعه طلبی/مداخله گرایی انزواگرایی تهدید آلمان/ژاپن تهدید شوروی	بیانیه سرنوشت فردگرایی جمهوری خواهی آزادی استثناگرایی

از سوئی باید عنوان نمود که سطح عمیقی از هم آوایی بین کدها و بینش ژئوپلیتیک یک دولت – ملت به خاطر یک بازشناسی به اشتراک گذاشته شده بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها در بافت ژئوپلیتیکی دولت وجود دارد (Dijkink, 1998). علاوه بر این هر دو مولفه توده و نخبه، موضوعات مکانیزم تحریف اطلاعات در جهان به عنوان پیامدهای سازه‌های اسطوره‌های ملی هستند (Dijkink, 1998). با این وجود اگر نخبگان سیاست خارجی در ساختن هم آوایی کدها و بینش ژئوپلیتیکی شان با شکست مواجه شوند، توجیه سیاست خاجی آن‌ها برای توده‌ها با مشکل مواجه خواهد شد، چرا که کد و بینش ژئوپلیتیکی محصول تعامل بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها می‌باشد. نخبگان دولت ملت‌های ضعیف برای خلق و ایجاد هم آوایی مذکور، استعداد بیشتری دارند، زیرا دولت‌های ضعیف در برخورد با بافت‌های ژئوپلیتیکی، موجد نا موزونی بین کد و بینش ژئوپلیتیکی هستند. به طور خاص کشورهایی که از بینش ژئوپلیتیک به عنوان یک استراتژی هویتی استفاده می‌کنند در صورت بندی و تدوین کدهای ژئوپلیتیک موزون و هم آوا با مشکلاتی مواجه می‌شوند. کدهای ژئوپلیتیک به مجموعه بازنمایی‌های اجتماعی مبتنی بر هویت سیاسی شامل ایده‌هایی درباره متحدان طبیعی کشورها و دشمنانشان درخصوص جوهر و ماهیت تهدیدات خارجی پرداخته و در خصوص مشکلات بین المللی عمده، راه حل‌های ارائه می‌دهند (Guny & Gokcan, 2010:24). در این چارچوب، نقش هویت ملی و اسطوره‌ها، نقشی مهم را در تعیین کدهای ژئوپلیتیکی یک کشور، ایفاء می‌کنند. بینش ژئوپلیتیک یک کشور و موقعیت آن در روابط با سایر کشورها در اسطوره‌های ملی خاص شکل می‌گیرد. بینش ژئوپلیتیکی، ترجمان مفاهیم هویت ملی به واژگان و نمادهای جغرافیایی است (Flint, 2006:127). بنابراین هویت و اسطوره‌های ملی، نقشی مهم را در شکل دهی به کد

### تحلیلی بر ابعاد ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در سوریه

ژئوپلیتیکی، ایفاء می‌نمایند. درگفتمان‌های امنیتی، ژئوپلیتیک در خصوص صورت بندی امنیت در شرایط فضائی هویت و تفاوت و دشمنان به عنوان زنجیره ای از کدهای غیر امنیت ساز سازه‌های قلمروئی می‌باشد. بینش ژئوپلیتیکی دولت‌های ضعیف و یا شبه دولت‌ها به عنوان ترکیبی از سازه‌های هویت خودی و هویت همسایگان قابل فهم می‌باشد<sup>۱</sup>. این رویکرد، ایده بینش ژئوپلیتیکی را ترجمانی از مفهوم هویت ملی در فضای ژئوپلیتیک می‌داند ( Dijing, 1996:14).

#### مدل ابعاد ژئوپلیتیکی



### ۳. آمریکا و ژئوپلیتیک شکننده سوریه

حضور نیروهای آمریکایی در دو محور ژئوپلیتیکی سوریه، بروز و نمود دارد. شمال سوریه در مناطق تحت سیطره حزب اتحاد دموکراتیک خلق و گذرگاه التنف در جنوب سوریه. برنامه آمریکا برای حضور نظامی در شمال سوریه نیز تا سال ۲۰۲۱ به دلایل جلوگیری از حضور دوباره داعش، تاثیر حداکثری در دوران انتقال قدرت و جلوگیری از دسترسی ایران به مدیترانه است (Balance, 2017). به همین علت است که آمریکا دو هزار سرباز خود را در حمایت از نیروهای سوریه دموکراتیک و یگان‌های خلق کرد در منطقه شمال سوریه مستقر نموده است. تصمیمی که ترکیه همیشه با آن مخالفت نموده است. از سوی دیگر بدون حمایت ترکیه، استراتژی آمریکا بر علیه ایران و سوریه به صورت جدی با چالش مواجه می‌شود. ولی با حمله

1. Self-Identity & Neighbor-Identity

ترکیه به یگان‌های خلق کرد، آمریکا نیز یک کارگزار اصلی محلی خود را در سوریه از دست خواهد داد. تهاجم ترکیه به کردهای سوریه نیز دو پیامد مهم دارد، توقف مبارزه کردها بر علیه داعش و تقویت مجدد این گروه در دیر الزور و احساس خیانت کردها نسبت به سیاست آمریکا و تنها گذاشتن مبارزان کرد در شمال سوریه، خیانتی که آن‌ها را در مقابل ترکیه و در کانتون عافین، تنها گذاشت، چرا که کردها دائماً، اصرار دارند که آن‌ها بخشی از ائتلاف با آمریکا در نبرد با داعش هستند (Ahmad, 2017). از سوئی ترکیه نیز مشکلی دائم التزاید با آمریکاییان و حمایت آن‌ها از کردهای شمال سوریه دارد. ترکیه نمی‌خواهد قربانی آرمانگرایی غربیان و مفاهیمی مانند حق تعیین سرنوشت مندرج در منشور سازمان ملل شود (Balanchi, 2018:3). با این نگاه، هدف آمریکا از استفاده از کردها، اهرمی بر علیه رژیم اسد و ایران است، زیرا خروج آن‌ها از ائتلاف با آمریکا، این نیروها را به سوی ایران و روسیه سوق خواهد داد (Balanchi, 2018:7). گرچه باید عنوان نمود تاریخ سیاسی کردها همیشه با نگرش چپ و سوسیالیستی همراه و ائتلاف آمریکا با کردها نیز تاکتیکی بوده است، بنابراین کردهای چپ گرای سوریه، بخشی از قلمرو ایدئولوژیکی چپ گرا هستند، همانطور که در مانیفست حزب کارگران کردستان ترکیه، گرایش به مارکسیسم/لنینیسم به وضوح دیده می‌شود. با این وجود وزیر امور خارجه آمریکا در ژانویه ۲۰۱۸، اعلام نمود که نیروهای آمریکا تا سال ۲۰۲۱ در شمال سوریه باقی خواهند ماند (Tillerson, 2018)، گرچه با سیاست‌های شکننده و عقیم آمریکا در سوریه، ترامپ با برکناری او پایان حضور نیروهای آمریکا در سوریه را اعلام نمود. (The Wall Street Journal, December 19, 2018). شاید بتوان عنوان نمود، هم راستا با سیاست‌های اسرائیل، حضور استراتژیک نیروهای آمریکایی در شمال سوریه و گذرگاه التنف در جنوب سوریه، بزرگترین محدودیت بر علیه ایران برای دسترسی به کریدور مدیترانه است. در صورتی که تعقیب کریدور مدیترانه برای ایران، عمیقاً وابسته به معضل دگرگونی است. کریدور ایرانی مدیترانه به مثابه یک هلال شیعی نیاز به یک بازمهندسی دموگرافیک دارد و تغییر در دموگرافی مناطق شمال غرب عراق و شرق سوریه با جمعیت غالب عرب سنی، مشکلات فرقه‌ای آینده منطقه را رقم خواهد زد (Balanch, 2018:9). آمریکا همسو با منافع اسرائیل از گزینه‌های مانند سوریه منسجم و سوریه با اسلام سیاسی در هراس و برای گسست در این نحله‌ها، با نگاهی ابزارگرایانه در کوتاه مدت از کردها دفاع می‌نماید. بنابراین یک دموکراسی سکولار و تعمیق شکاف‌های قومی در حال حاضر گزینه مطلوب آمریکا در سوریه می‌باشد. اما خوانش



سیاست روسیه در سوریه و مشخصاً مناطق کردنشین، بعدی ژئوپلیتیکی دارد که علاوه بر فشار بر علیه ترکیه توسط کردها، خواهان دسترسی آسان به سواحل مدیترانه ای و منطقه شامات است. به علاوه فعالین کردستان سوریه طرفدار یک دموکراسی لیبرال و حقوق بشری اند و در پی جستجو حمایتی میان روشنفکران غربی و نهادهای حکومتی هستند (Sofie,2017:18) و این موضوع، باعث سمپاتی نیروهای غربی از آن‌ها شده است. پس از اعلام رسمی ترامپ، مبنی بر خروج سربازان آمریکائی از سوریه، می توان تبعات ذیل را برای این خروج، ترسیم نمود:

- این تصمیم، روابط درون / برون گروهی نیروهای محلی در سوریه را به سوی سیاست‌های جدید، بازتعریف می نماید؛

- گشودن مسیر جدیدی برای ترکیه و اپوزیسیون همراه با آن جهت حمله به یگان‌های دفاعی کرد؛

- تغییر در دموگرافی و جغرافیای منطقه شمال سوریه بر علیه کردها؛

- تغییر فضای ذهنی مبارزان کنشگر در درون جریان قوای سوریه دموکراتیک جهت مبارزه مجدد با تروریست‌هایی مانند داعش؛

- احتمال نزدیکی کردها به حکومت بشار اسد، بر علیه ترکیه و اپوزیسیون سوریه (Yesltash,2018:3).

#### ۴. فضاهای تجزیه شده و ناسیونالیسم سرزمینی

به صورت فزاینده ای، کنش آمریکا در عراق، سوریه، یمن و سایر مناطق بحرانی خاورمیانه، فضاهای تجزیه شده ای است که دولت مرکزی کمترین نفوذ و واجد بیشترین تعارضات قومی / مذهبی، می باشند. توجه به مقوله فضا به عنوان یک سرمایه استراتژیک در نگاه پست مدرن، اولویت سیاست گذاری جغرافیایی کشورها می باشد. بنابراین رصد فضاهای آنارشیک قومی / سرزمینی، قسمتی مهم را در سیاست‌های ژئوپلیتیکی کشورها، ایفا می نماید (عبداله پور و حاتمی، ۱۳۹۶ : ۸۵). شمال سوریه به عنوان یک فضای تجزیه شده که همراه با گسست جغرافیایی و قومی و حضور حداقلی رقبای منطقه ای است، بستری مناسب برای سیاست‌های آمریکا در این منطقه است، چرا که سیاست گذاری منطقه ای آمریکا بر شکاف‌های قومی و ژئوپلیتیکی نه تنها در سوریه بلکه در خاورمیانه، بنا نهاده شده است. در تنقیح فضای تجزیه

شده<sup>۱</sup>، باید گفت که این فضاها تجزیه شده، نتیجه دولت ملت‌های شکننده خاورمیانه ای حاصل از مرزهای تصنعی خاورمیانه ای می‌باشد که مرزهای هویتی ناپایداری دارند. کولوسف و اولوگلین، ضمن اینکه از شبه دولت‌ها به عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها<sup>۲</sup>، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوری‌های سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی را دارند رخ می‌دهند (Kolosov & O'Loughlin, 1998:56). از سویی فضاها تقسیم شده، نگرش‌های تقسیم شده را به دنبال خود می‌آورند (O'Loughlin, 2013:1). بنابراین در اختیار گرفتن فضا و انسجام فضائی برای کردهای سوریه یک نگرش واحد هویتی و اجماع را به همراه می‌آورد که یکی از ترجیحات اصلی در فضای داخلی مناطق کردنشین سوریه جهت سیاست‌های بعدی آنان خواهد بود. به طور کلی فضاها تجزیه شده مناطق مختلف خاورمیانه و مشخصاً مناطق شمالی عراق و سوریه، توأمأً ابعادی مذهبی/ژئوپلیتیک نیز دارند. دیجینگ، معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگ‌های مقدس، جلوه ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک می‌باشند (Dijing, 2006:192). خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود دائماً همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیک را با خود به همراه دارد. همانطور که عنوان شد حضور آمریکا در شمال سوریه به علت درگیری با رقبای جدی منطقه ای مانند ایران و روسیه می‌باشد. و این در حالی است که علاوه بر متغیر فرا ساختاری مانند روسیه که تضادی وصف ناپذیر با آمریکا دارد، ساختارهای منطقه ای مانند ایران و ترکیه با هر گونه دخالت آمریکا در منطقه مخالف و کارگزاران و زیر سیستم‌های آنها نیز به علت تعارض تصمیم‌گیری و نامشخص بودن سیاست‌های آمریکا در شمال سوریه، ایالات متحده را متهم به خیانت می‌کنند.

از سوئی آمریکا به صورت دائم‌التزایدی از اوایل سال ۲۰۱۲، مشغول تسلیح و آموزش اپوزیسیون سوریه در قالب واژگانی مانند اپوزیسیون میانه رو و یا سکولار بود و همین موضوع اصلی ترین دلیل تعمیق بحران در سوریه بود. در جدول ذیل طبقه بندی اپوزسیون میانه رو سوریه و طرفداران آنها در مقام دوستان سوریه، ترسیم می‌گردد.

1. Separated Space
2. Pseudo State

نام گروه	رهبر	نواحی عملیاتی	حمایت خارجی	جزئیات
فرقه ۱۳	ستوان احمد	حلب	دوستان سوریه	فعال در ادلب و حما
گردان ۱۳	السعود	حما . ادلب	دوستان سوریه	طرفدار حکومت مدنی
گردان یرموک	بشار الذوبی	درعا. قنیطره	حمایت نامشخص	یکی از قویترین گروه‌ها در جنوب سوریه و تمامی قبایل ذوبی در کنار این فرقه
فرسن الحق	ستوان فارس بایوش	ادلب	دوستان سوریه	طرفدار حکومت مدنی
حرکت نورالدین زنگی	توفیق شهاب الدین	حلب. ادلب	دوستان سوریه	
جبهه الشام	ستوان محمد الغابی	حما. ادلب	دوستان سوریه	یکی از بزرگترین گروه‌های مخالف بشار و طرفدار حکومت مدنی
جیش المجاهدین	محمد شاکردی	حلب	دوستان سوریه	پیوستگی با ارتش آزاد سوریه و مخالف شدید داعش
نیروهای دموکراتیک خلق کرد	سپیان حمو	عافرین. کوبانی. حسکه	ایالات متحده و نیروهای ائتلاف	بال نظامی کردهای سوریه . سکولار و طرفدار فدرالیسم

نظر به اینکه گروه‌های مذکور در ذیل تشکل‌های تقریباً سکولار و مدنی در قالب دوستان سوریه قرار می‌گیرند، لذا سیاسی و لجستیکی غرب از این گروه‌ها و به زعم آن‌ها، مشروع می‌باشد.

##### ۵. کد و برند سازی ژئوپلیتیک کردستان سوریه

به علت جغرافیای شکننده شمال سوریه، سکولار بودن احزاب کرد، فضاهاى تجزیه شده قومى، تعارض این جغرافیا با میدان‌های غیریت ساز آمریکا مانند عرب، ترک و ایرانی این منطقه همیشه بخش مهمی از سیاست‌های منطقه ای آمریکا را در بحران سوریه، تشکیل داده است. مناطق کردنشین سوریه به عنوان یکی از مناطق ناشناخته و بکر در شمال غربی مزوپوتامیا و شمال و شمال شرقی سوریه، به دنبال بحران داخلی در سوریه، تشکیل کانتون‌های خودمختار کردی و انقلاب «رژوآوا» یا منطقه شمال سوریه که وارد ادبیات مطالعات منطقه ای

شده است، در حال حاضر بخشی مهم از تعارضات سرزمینی و هویتی را در سوریه تشکیل داده است که این تعارض را می توان علاوه بر متغیر داخلی، مولود سیاست‌های عوامل فرامنطقه ای مانند ترکیه، روسیه و آمریکا دانست. در خصوص ترکیه باید عنوان نمود تمامی سیاست‌های ترکیه در سوریه، ابعاد کردی دارد، چرا که هرگونه گشایش سیاسی و بسط ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در طول سیاست‌های حزب کارگران کردستان ترکیه و کردهای ترکیه و بزرگترین خط قرمز امنیتی ترکیه می باشد (عبداله پور، ۱۳۹۴). دو کنش گر فرا منطقه ای یعنی روسیه و آمریکا نیز کردستان سوریه و نقش آن در سوریه با اسد و بی اسد را یک عامل نفوذ در منطقه می دانند. بنابراین این واحد جغرافیایی جدید در پی قلمروخواهی و اتصال بین کانتون‌ها و فضاهای تجزیه شده خود می باشد. این موضوع نیاز به برجسته سازی و یک برندینگ جغرافیایی دارد که رسانه‌های جمعی کرد، توانسته اند این برند را با استفاده از یک گفتمان هویتی و سرزمینی و با شاخص‌های هویتی، سمبلیک و دیاسپورای کرد در اروپا، به منصف ظهور برسانند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می باشد و پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید (عبداله پور، ۱۳۹۶). فراموش نکنیم مدل برند سازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیکی دولت ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می دهد. کردها دومین گروه زبانی مهم در سوریه می باشند. از منظر جغرافیایی، جمعیت کردها در سه منطقه جدا از هم یعنی، عافین، کوبانی و جزیره می باشد. از این تعداد ۳۰ درصد در عافین، ۱۰ درصد در کوبانی و ۴۰ درصد در جزیره می باشد (Gambill, 2014). خلاء بین این سه منطقه یکی از چالش‌های اساسی کردهای سوریه است، به طوریکه فاصله بین عافین و کوبانی ۱۴۰ کیلومتر و فاصله بین کوبانی و جزیره ۱۶۰ کیلومتر است. از تحلیل مناطق و زیر مناطق کردنشین در سوریه می توان، مضائق ژئوپلیتیک/دموگرافیک کردها را در سه مورد، تشریح نمود: عدم پیوستگی قلمرو جمعیتی مناطق کردنشین، وجود جمعیت قابل ملاحظه غیر کرد در مناطق مورد مناقشه و حضور نیمی از کردهای سوریه در مناطق خارج از ۳ منطقه اصلی کردها در حلب و دمشق (عبداله پور، ۱۳۹۶). با این حال سوژگی ژئوپلیتیکی جدید کردها با تکیه بر هویت برند، اجرا و کارکرد و مولفه‌های آنان مانند ارزش‌ها، نماد، ساختار حکمرانی، هویت، اسطوره‌ها و ادعای قلمروئی در صدد برند

سازی ژئوپلیتیکی و سرزمینی خود می باشند (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴)، چرا که برند سازی ژئوپلیتیک اولویت اساسی کارگزاران می باشد. پرسشی اساسی که «فلینت» مطرح می نماید این نکته است که آیا کارگزاران ژئوپلیتیک واجد کدهای ژئوپلیتیکی هستند و آیا مفهوم کد ژئوپلیتیک برای فهم کنشگری کارگزاران ژئوپلیتیک، مفید می باشد؟. برای فهم بیشتر کارگزار ژئوپلیتیک نیاز به فهم کد ژئوپلیتیکی، ابزاری مفید است. «فلینت» معتقد است، کارگزاران نمی توانند آزادانه، کنش نمایند. اما آن‌ها قادر به انتخاب می باشند، کارگزاران در ساختارها، اقدام می نمایند، ساختارها، کنش کارگزاران را محدود می نمایند، ساختارها، زیرساختی را برای کارگزاران آماده و فرصت‌هایی را برای دستیابی به اهداف در اختیار آن‌ها قرار می دهند، یک کارگزار می تواند تبدیل به یک ساختار و بر عکس شود (Flint, 2006 : 15-30). گرچه می توان فهم «فلینت» را متأثر از نظریه رئالیسم انتقادی «روی باسکار» فیلسوف علم انگلیسی دانست. مقدمات منطقی رئالیسم انتقادی شامل، هر کارگزار انسانی تنها در رابطه با محیط‌های از پیش شکل گرفته و عمیقاً ساختمند شده، شکل گرفته است و چنین محیط‌هایی با تعیین سلسله شایستگی‌ها ی بالقوه و پیامدهای مستقیم کنش‌ها به طور همزمان محدود کننده و توانائی بخش کنشگرانی هستند که در آن‌ها ساکن هستند (Bhaskar, 1989:40). اما نکته کلیدی در مباحث رئالیسم انتقادی، کنش راهبردی است که باید متمع نظر کارگزاران باشد. کنش راهبردی عبارت است از تعامل دیالکتیک کنشگران صاحب اراده و آگاه ولی در عین حال محاط شده توسط ساختار و زمینه‌های از پیش شکل گرفته ای که آن‌ها در آن ساکن هستند. هر چند کنش‌ها درون محیط‌های ساختمند شده تحقق می یابند، ولی کنشگران همه دارای ظرفیت تغییر آن ساختارها از طریق کنش‌هایشان می باشند که البته این تاثیر کارگزاران بر ساختارها ممکن است عمدی و یا ناخواسته باشد. به طور کلی در نگرش رئالیسم انتقادی، «راهبردها در کنش، عملیاتی می شوند». همانطور که عنوان شد، حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوری‌های سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی را دارند رخ می دهند. بنابراین در ابتدای امر، برند سازی ژئوپلیتیک، رکن رکین کد سازی ژئوپلیتیکی کارگزاران می باشد. استنتاج بحث فوق، اثبات دیگری برای هر دو مولفه می باشد. برای شبه دولت‌ها و کارگزاران ژئوپلیتیک با توجه به شکننده بودن بعد سرزمینی و هویتی ساختارگریز، تبیین و تفسیر این کدها مشکل است ولی با توجه به ضعف ساختارها و شناور بودن کدهای ژئوپلیتیکی، کارگزاران، درصدد تعریف و

عملیاتی نمودن کدهای ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف می باشند. بنابراین سوژه‌های ژئوپلیتیک، منافعشان را از طریق گفتمان‌های هویتی و برند سازی ژئوپلیتیک در فضاهاى تجزیه شده در تعامل و تقابل با سایر کدها، جلو می برند، چرا که کدهای ژئوپلیتیک همانند گفتمان‌ها، پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکتند (عبداله‌پور، ۱۳۹۶).

جدول ۳: عوامل تاثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی کردهای سوریه

بین المللی	منطقه ای	ملی	محلّی
- کسب حمایت قدرت‌های فرمنطقه ای به عنوان یک جبهه غیر اسلامی - کسب حمایت اتحادیه اروپا به عنوان اپوزیسیون سکولار رژیم اسد - استفاده حداکثری از دیاسپورای کرد در غرب	- تعامل با ساختارهای ژئوپلیتیک ترک / عرب - ناسیونالیسم فرهنگی کردها - گفتمان ژئوپلیتیک (از توروک تا زاگرس) - تولید فضا	- فدرالیسم و یا کنفدرالیسم دموکراتیک (کوتاه مدت) - استقلال ( بلند مدت) - بسط ژئوپلیتیک و اتصال سه کانتون جزیره، کوبانی و عافین به یکدیگر - سازه قلمروئی کردها در شمال سوریه	- هژمونی حزبی در تقابل با احزاب کرد مرتبط با بارزانی و قبایل بدوین عرب - عوامل نمادین فرهنگی کردها - نضج قدرت اندیشه‌ای و قدرت مادی کردها - جذب قبایل عرب در مناطق غرب/ کردنشین

با این وجود و در ابتدای سال ۲۰۱۹ به دنبال خروج آمریکا از مناطق شمالی سوریه، همچنین حملات ترکیه در سال ۲۰۱۸ به کانتون عافین و تهدید منبیج، بعضی از کدهای کردهای سوریه مانند کسب حمایت جبهه غرب و پیوستگی کانتون‌ها با تهدیدی جدی مواجه شده است. به طوری که می توان سوژگی ژئوپلیتیک کردهای سوریه را کسوف سوژگی نامید، چرا که سازه دولت/ملت‌های ترکیه و سوریه مجدداً در آستانه خیزش دوباره می باشند. در حال حاضر ترکیه مشکلات داخلی خود را مرتفع و در تعامل حداکثری با روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا، سیاست خارجی خود را مفصل بندی مجدد و سوریه نیز تمامی قلمرو منتزع سوریه توسط داعش را تسخیر و سفارتخانه‌های خارجی نیز در آستانه بازگشائی سفارت خانه‌های خود در دمشق، می باشند.

### نتیجه گیری

امروز نه تنها در منطقه خاورمیانه کارگزاران محلی بلکه ساختارهای منطقه‌ای نیز با بی‌اعتمادی به سیاست‌های آمریکا در منطقه می نگرند. سیاست‌های آمریکا برای کنشگران

محلی، مانند کردهای عراق و سوریه، حوثی‌های یمن و ... خیانت و برای ساختارهای منطقه‌ای نیز شورش و دخالت در منطقه است به طوری که می‌توان سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه را راهبردهای ایذائی و نه ایجابی نامید. ایجابی که به گفته غرب تعمیق دموکراسی با توجه به رسالت تاریخی آمریکائیان می‌باشد. اما با توجه به دوگانه‌های ترسیمی در گفتمان تاریخی و ژئوپلیتیکی آن‌ها، بحران آفرین است. تصویر سازی ژئوپلیتیکی آمریکا که بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی اش می‌باشد، هدف نهائی خود را حفظ پرستیژ و تهاجم مشروع به قلمروهای دیگر می‌داند. با نگاهی به گفتمان‌های دو گانه و غیریت ساز آمریکا مانند هویت / تفاوت، نظم/ بی نظمی، داخل / خارج، شرق/غرب، خود/دیگری، مثبت/ منفی، خیر/ شر و دیگری، تهاجم به عراق، افغانستان و سوریه توجیه می‌شود. هژمونی گفتمان‌های مذکور تفاسیری را به الیت‌های سیاسی آمریکا می‌دهد که ویژگی‌های دوگانه رفتاری پر قدرتی داشته باشند. هریک از این گفتمان‌ها در تعامل با تقویت دیگری است. به طور کلی نبرد بر علیه تروریسم و گفتمان دو گانه، ایده مرکزی درک ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در دنیا می‌باشد که بی نظمی، خارج، شرق، دیگری، شر، منفی و تهدید را کدهای ناامنی ژئوپلیتیکی خود می‌داند. حضور در شمال سوریه نیز در همین راستا قابل تبیین می‌باشد. زیرا در انگاره آمریکا در قرن بیستم اسلام، عرب، ایران و ترک نیز می‌تواند محل دیگری، شر و تهدید باشد. مناطق کردنشین سوریه یکی از متغیرهای تاثیر گذار در بحران سوریه در سال‌های اخیر بوده است که محل تعارض بسیاری از کنشگران محلی، منطقه ای و فرا منطقه ای بوده است. در این راستا احزاب کرد در شمال سوریه و در قلمرو مناطق کردنشین با تقویت توان نظامی و مدل خود گردانی محلی توانسته اند خود را به عنوان یک نیروی تاثیرگذار در حیات سیاسی منطقه نشان دهند. گرچه ساختارهای منطقه ای از خیزش این کنشگر و قلمروخواهی سرزمینی ان، نگران می‌باشند ولی همانطور که عنوان شد آمریکا این سوژه هویتی/جغرافیایی را به عنوان ابزار بر علیه سایر بازیگران محلی، ملی و منطقه ای می‌داند. بنابراین کردهای سوریه، نگران از متغیرهای مذکور چشم به آینده ای نامعلوم دارند که این آینده را به طور حتم خود نمی‌توانند رقم زنند. جغرافیایی شکننده، نبرد دو زیر سیستم پرو بارزانی و پرو PPKK ای در کردستان سوریه، نفوس محدود، عدم حمایت کشورهای منطقه، مذهب متفاوت، زاویه شدید ترکیه، عدم همراهی کردهای عراق، همگی از عواملی هستند که نگاه کردهای سوریه را علاوه بر ظرفیت محدود کردستان سوریه به عوامل فرامنطقه ای و مشخصاً، ایالات متحده، علی رغم سیاست‌های متعارض آن‌ها، معطوف نموده

است. این متغیرهای سلبی، مکانی است که ایالات متحده خود را آماده کنشگری در منطقه ای نموده که که هیچگاه در طول تاریخ سیاست خارجی خود در آن منطقه صاحب نفوذ نبوده است و قطعاً ابعاد ژئوپلیتیکی آن نیز در سوریه، امری عبث بشمار می آید.

### فهرست منابع

#### الف) منابع فارسی

عبداله پور، محمدرضا و قادری، رحیم (۱۳۹۴). «سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین النهرین شمالی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۶، زمستان، صص ۶۵-۸۱.

عبداله پور، محمدرضا و دیانت، محسن (۱۳۹۵). **دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه**، تهران: انتشارات کلک سیمین.

عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۶). «همه پرسی استقلال کردستان عراق، برند سازی ژئوپلیتیک»، **همشهری دیپلماتیک**، تیر و مرداد.

عبداله پور، محمدرضا و متقی، افشین (۱۳۹۴). «دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تاکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان، صص ۱۳۰-۱۱۱.

عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۶). «کردهای سوریه، وضعیت شناسی و افق سیاسی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۶۹، بهار، صص ۹۵-۱۱۴.

عبداله پور، محمدرضا و حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶). «قلمرو خواهی سرزمینی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۲۱، پاییز، صص ۱۴۷-۱۲۵.

#### ب) منابع انگلیسی

Agnew, J., (2003). **Geopolitics, Revisioning World Politics**, London and New York: Routledge.

Balanch, F., (2018). **From the Iranian Corridor to to the Shia Crescent**, Hoover Institute Essay.

Bhaskar, R., (1989). **Reclaiming Reality: A Critical Introduction to Contemporary Philosophy**, London: Verso.



- Dawn, Chatty (2010). "The Bedouin in Contemporary Syria: The Persistence of Tribal Authority and Control", **The Middle East Journal**, Vol. 64, No. 1, pp. 29-49
- Dijkink, Gertjan (1998). "Geopolitical Codes and Popular Representations", **GeoJournal**, No46, pp. 293-299.
- Dijkink, G., (1996). **National Identity and Geopolitical Vision. Maps of Pride and Pain**. London and New York: Routledge.
- Fabrice, Balanche (2017). **Assad Needs 'Useless Syria' Too**, Washington Institute, January 4, accessed May 27, ۲۰۱۸, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/assad-needs-useless-syria-too>.
- Flint, C. & Falah, G.W., (2004). "How the United States Justified its War on Terrorism: Prime Morality and Construction of a 'Just War'", **Third World Quarterly**, 25, No8, pp. 1379-1399.
- Flint, C. (2006). **Introduction to Geopolitics**, Abingdon: Routledge.
- Kolossov, Vladimir & O'Loughlin, John (1998). "New Borders for New World Orders. Territorialities at the Fin-de-Siecle", **GeoJournal**, Minneapolis, MN: University of Minnesota press.
- Newman, D., and S. Peters (2002). "Geopolitical Images and Discourses: Europe, the Mediterranean and the Middle East", **Third Mediterranean Social and Political Research Meeting, Montecatini Terme and Florence**, 20-24 March, pp. 1-4.
- O'Loughlin, J., (2013). "Divided Space, Divided Attitudes? Comparing the Republics of Moldova and Pridnestrovie (Transnistria) Using Simultaneous Surveys", Institute of Behavioral Science, **Eurasian Geography and Economics**, Vol. 54, NO.2.
- Rae, Norman Gregor David (2007). **Reinventing Geopolitical Codes in the Post-Cold War World with Special Reference to International Terrorism**, Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy Department of Geographical and Earth Sciences Faculty of Law, Business and Social Sciences, May 2007, University of Glasco.
- Smith, Robert C., (2000). "How Durable and New is Transnational life? Historical Retrieval through Local Comparison", **Diaspora**, 9 (2): pp 203-234.
- Sofie, Anne (2017). **The Kurds of Syria**, Royal Danish Defense College.

